

## هفته سالگرد جنگ

هفته آینده هفته جنگ است که با فرارسیدن آن دو سال تمام از آغاز جنگی که به تحریک و بنا به خواست امپریالیسم آمریکا و بدست رژیم صدام به انقلاب ایران تحمیل شد می‌گذرد.

بحاست یک لحظه بیاندیشیم در هفته اول جنگ وضعیت چگونه بود؟ پاراسال در این روزها کجا بودیم؟ و اسأل کجائیم؟

وقتی جنگ شروع شد آمریکا و صدام فکر می‌کردند می‌توانند در عرض یک هفته کار خوزستان را تمام کنند و آنجا را پایگاه صدور ضدانقلاب به نراسر ایران قرار دهند. اما نقشه‌شان را مقاومت دلیرانه مردم ما خنثی کرد. در اولین هفته سالگرد جنگ بخش‌های مهمی از میهن ما هنوز در اشغال تجاوزگران بود و تلاش مردم برای بیرون کردن قوای صدام ادامه داشت. اسأل در شرایطی به استقبال هفته سالگرد جنگ می‌رویم که گرچه مردم ما موفق شده‌اند تجاوزگران را برانند و توطئه آمریکایی - صدامی برای اشغال و تجزیه ایران را با شکست مواجه سازند، با این همه توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا برای کشتنیدن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بداخل خاک عراق و تحمیل یک جنگ فرسایشی درازمدت و بی‌فرجام که نیروهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و بویژه پشتیبانان تودم‌ای انقلاب را می‌فرساید هم چنان جدی است.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در راه پیروزی ایران در جنگ تا امروز صدها شهید داده‌اند آرزو دارند که توجه بیشتر مسئولان جمهوری اسلامی ایران به واقعات و اتخاذ شی پشتیبانی همه جانبه و تقویت مبارزه انقلابی مردم عراق به مثابه یگانه راه سقوط رژیم صدام، راه شکست توطئه امپریالیسم برای فرسایشی کردن جنگ، راه پایان دادن به جنگ را بکشاید و آرزوی بزرگ خلقهای عراق و ایران را که استقرار رژیم مردمی در عراق است حایه تحقق یوشد.

جنگ اصولاً "چیز نفرت‌انگیزی است، جنگ همیشه برای انسان‌ها خرابی، کشتار و زجر و درد به بار می‌آورد. مردم همواره ترجیح می‌دهند که در مبارزات خود راه سلامت‌آمیز را برگزینند. این طبقات ارتجاعمی هستند که جنگ را به مردم تحمیل می‌کنند. جنگ خواست ارتجاع است. شمار کمونیست‌ها صلح است. و ما نیز در هفته سالگرد جنگ خواهیم گوشتید به هر طریقی که امکان دارد نشان دهیم که چرا در آغاز و ادامه این جنگ تحمیلی، امپریالیسم آمریکا و

متحدانش ذی‌فایده اند. ما در این هفته باید نشان دهیم که امپریالیسم در همه جا نیروی اصلی جنگ و تجاوز است. این امپریالیسم است که به صنایع تسلیحاتی دامن می‌زند، اوضاع جهانی را بحرانی می‌کند و حتی می‌کوشد آن را به لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای سوق دهد. ما در همین حال می‌گوئیم در این هفته حماسه‌های عورانگیز خلق در جنگ تحمیلی، تاثیر بقاوت دلیرانه مردم در بیرون راندن متجاوزان و اهمیت آمادگی توده‌ها برای حرکت توطئه‌های ضدانقلابی داخلی و خارجی بخوبی برجسته گردد. ما در این هفت درباره ضرورت و راههای تقویت بنیه دفاعی کشور از راههایی که به استقلال ما لطمه نمی‌زند صحبت خواهیم کرد. ما در این هفته از همه شهدای جنگ تحمیلی بهر طریقی که امکان‌پذیر است تجلیل خواهیم کرد و خاطره ایثار شگوهند این عزیزان در حفظ انقلاب و استقلال مهین را زنده خواهیم داشت.

## برای اینکه "قطب‌زاده عبرت شود"

حیر اعدام قطب‌زاده همراه با من رای دادگاه انقلاب ارتش در روز پانزدهم ۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۱، در روزنامه‌ها انتشار یافت. اعدام قطب‌زاده را می‌توان از مهم‌ترین وقایع هفته گذشته محسوب داشت، نه به دلیل اینکه یک حاسوس حرفه‌ای مأمور براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به برای عمل خود رسید، بلکه بیشتر به دلیل اینکه "حسب" طرفدار اجرای عدالت نسبت به خائن مزدوری نظیر قطب‌زاده بر جریانی که خواستار لایوثنایی جراثیم و غیسانت‌های او و سپس احیای در تلاش نجات وی از اعدام بود، غلبه کرد (رفقا حکم دادگاه را بخوانند) و سرانجام حکم اعدام قطب‌زاده صادر گردید و به اجرا گذارده شد. اهمیت این حکم در این است که به گفته یکی از نمایندگان مجلس (آقای کیابوش) "قطب‌زاده یک نفر نیست، یک جریان است، همچنانکه امپراتور نظام پیکر نبود و یک جریان بود و جریان فکری او هنوز هم وجود دارد."

اگر جریان زندگی صادق قطب‌زاده با یک جریان بزرگ ضدانقلابی برای برانداختن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیوند داشته، می‌توانست موضوع یک رمان عالی حاسوسی - جنایی باشد. ولی قطب‌زاده از سپهرهایی بود که آمریکا با حاماری او در پست‌های موثر توانست صدمات فوق‌العاده گران بر انقلاب ایران وارد کند. و توسط او و نظائر او (بی‌صدر و دیگران) منی سیاسی و شیوه عملی را در انقلاب ایران به اجرا گذارده که هنوز هم آثار آنها کاملاً پاك نشده و برای پاکسازی آنها کوشش انقلابی سجدانه‌ای لازم است.

روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای زیر عنوان "قطب‌زاده بنگ عبرت" بدرستی می‌نویسد:

"اعدام قطب‌زاده را مجرد از حرکتی که او از ابتدای ورود به ایران تا هنگام دستگیری به جرم اقدام جهت کودتا علیه نظام جمهوری اسلامی دنبال کرد، بدون و تفسیر و تحلیل کردن نمی‌تواند راهگشا باشد."

به این معنی درست باید حمله عمل پوشاند. یعنی باید "حرکتیست" قطب‌زاده را از هنگام ورود به ایران تا روز اعدام او بدرستی دید و بدرستی تحلیل کرد تا "قطب‌زاده بنگ عبرت" شود. تجربه‌ای گردد برای ادامه ساروه با حزباتی که می‌تواند برای رسیدن به هدف خود سعی می‌کند تا شکست انقلاب ایران حتی با ظاهر اسلامی هزار چهره بخورد.

برای بیان "حرکت" قطب‌زاده و قطب‌زاده‌ها، شیوه عمل آنها، سیاست آنها، حیانت آنها، نوطه‌گری‌های آنها می‌توان و باید به فصل پرداخت ولی "بولتن هفتگی گنجایش ندارد. فقط می‌توان اشاره کرد. قطب‌زاده صبره دست‌انوز و حاسوس در "آسیبار" خواسته، آنگاه که طوفان انقلاب در ایران در گرفت، ناگهان از یک مرد هرزه و از خط اخلاقی فاسد، به یک مسلمان دوآتشه تعبیر چهره داد. این چهره جدید "گذرنامه" انقلابی او شد وقتی تظاهر به اسلام صالحه انقلابی بودن شود. بدترین افراد می‌توانند بهترین موقعیت‌ها را بگیرند. قطب‌زاده با این تظاهر به اسلام، بهترین موقعیت‌ها را گرفت عضو شورای انقلاب، رئیس صدا و سیما، وزیر امور خارجه. قطب‌زاده گستاخ بود گستاخی شیوه عمل او بود، بی‌پروا دروغ می‌گفت و بی‌پروا عمل می‌کرد. تا "نیمی" از دروغش باور خود و عطش انقلابی بنساید به دروغ می‌گفت که ساعت ۳ بعدازظهر با رئیس جمهور پاناما تماس تلفنی گرفته، صدای او را شناسند، و حیرت گرفته است که شاه توفیق شده است به کمک "همکاران" پیام منتشر می‌کرد که در آن ادوار کندی از منقبت اسلام و انقلاب اسلامی در ایران انگ شوق‌زیمنه و کرمه کرده است. "سما" کارش را

برای اسامی خمیسی می‌برد، که کارتر در آن توضیح داده بود که "دمگراسی" امریکایی از اشتباهاتی که در ایران مرتکب شده، پند گرفت و حاضر است مجدداً با ایران علیه دشمن مشترک همکاری کند، ستون نانکهای روسیه را از افغانستان به سوی بلوچستان، روان می‌ساخت و برای "سجاده‌بین" افغانی را در پاکستان بنام "دیپلماتهای ایرانی" به کفرانس اسلامی وارد می‌کرد، فرانسوی‌ها از قول کاردار سفارت شوروی در تکرکوک دروغی جعل می‌کرد و در تبریز "حلق سلطانی‌ها"ی افغانی شریعتداری همراه با ساواکی‌ها اوراقی با جعل مهر دهنر امام پخش می‌کردند و قطب‌زاده حتی برای "اساد" یادداشت اعتراضی به دولت شوروی تسلیم می‌کرد.

قطب‌زاده برای بسندنام ساختن انقلابیون و محدود ساختن چهره آنها در نزد مردم و قبحانه علیه فدایی‌ها و توده‌های دروغ می‌ساخت، آنها را به باد تهمت و افترا می‌گرفت و از صدا و سیما این دروغ‌ها و تهمت‌های وقبحانه را به خورد مردم می‌داد. او بدون اینکه مزه ببرد می‌گفت "فدایی‌ها شکم پنهان حامله را میدرنند و نوزادان را سر می‌برند" او می‌گفت: "نامه مردم" در سفارت روسیه چاپ می‌شود! او دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را به پسرنامه پیرو "خط سلطان" و از عوامل "روس‌ها" می‌خواند.

شیوه گفتار و کردارش، وقاحت بی‌مرز در بیان دروغ و بی‌پروایی بی حد در عمل بود. گستاخی او محدود بود که می‌توانست ریزی گلارک را عاقلی دل‌باخته انقلاب اسلامی ایران معرفی کند و تصرف خاموشانه امریکا را توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، علناً محکوم نماید و با آن علناً مخالفت کند. چگونه یک چنین مرد شهاد و گستاخی توانست یکسال و ۸ ماه در عالم‌ترین پست‌ها باقی بماند و به خرابکاری ملی بپردازد؟ پاسخ این سؤال را باید یافت و گفت تا "قطب‌زاده صرت نبود" و تا او احوال او نخره‌ای تکرار نشدنی کردند.

سیاستی که قطب‌زاده اجرا می‌کرد نیز معلوم است. در داخل "فدایی" و "توده‌ای" را ضدانقلابی دانستی و هر "خط امامی" را رجعت "توده‌ای" زدن و بر این اساس همه مبارزان مسلمان و دگراندیشان انقلابی، طرفدار

استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی را "دشمن" انقلاب نامیدن و برعکس همه نیروهای ضدانقلابی، لیبرال و مخالف "خط امام" در انقلاب را "آزادبخواه" معرفی کردن، و در سیاست خارجی شوروی را هم‌سج و هم‌طراز امریکا دانستی برای "تسلی کردن" امریکا شوروی را مطرح کردن، بنام کشورهای دوست و حامی انقلاب ایران را "افکار" شوروی خواندن و همه آنها را دشمن دانستن و برعکس کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و رژیم‌های هلند دست‌نشانده امریکا در حاورمیانه را دوست جمهوری اسلامی ایران دانستن. قطب‌زاده می‌مخا می‌گفت "چرا پاکستان نوکر امریکا است، یک دلیل قانع‌کننده تا کیون کسی برای اثبات این مسئله ندارد... این اتهام که گلا حجه تبلیغاتی دارد، بسیار ناجوانمردانه و بی‌شرمانه است" "منافع ایران با هجاب می‌گند که به دو کشور ترکیه و پاکستان که از سیاست دو ابرقدرت مستقل هستند (!!) نزدیک شود تا از انفراد در منطقه بیرون آید...". "تنها دولت بزرگی که می‌تواند به ایران در برابر دو ابرقدرت کنگ جدی نکند چین است" چنین است حرکت "قطب‌زاده در سیاست داخلی و خارجی که باید آن را بدرستی دید و بدرستی تحلیل کرد تا "قطب‌زاده صرت نبود" تا چنین سیاستی نتواند خود را به انقلاب تحمیل کند تا قطب‌زاده‌ها و "حرکت" آنها در سطح تکرار نشدنی گردد.

طرح براندازی که قطب‌زاده مأمور اجرای آن بود نیز دقیقاً برعکس "سای" که به آنها اشاره رفت، تنظیم شده بود. تظاهر به اسلام می‌بایستی ستای کار فرار گردد. نام حکومت کودتا "جمهوری اسلامی" خواهد بود. کودتا که انجام گرفت و مبارزان که مبارزان شد و حضرت امام که تورور گردید، گناهکارها و کودتاگرها، "توده‌ای" و "فدایی" معرفی خواهند شد و آنگاه قطب‌زاده و شریعتداری و همه دار و دسته کودتاگران واقعی به نام اسلام "واقعی" و به عنوان "حسوحواهی امام" "فدایی‌کنی و توده‌ای‌کنی" راه خواهد آید احب و هر خط امامی و هر مسلمان انقلابی را سر به نام "توده‌ای" کشتار خواهد کرد می‌باید که "حرکت نظامی" کودتا برایشان همان "حرکت سیاسی" پیشین است واقعی "جمهوری اسلامی واقعی" که طبق گفته برقرار شد، بلافاصله مساسات با اتحاد شوروی قطع می‌شود، ولی نهدید مساسات با امریکا. (طبق گفته) به مدت چهار ماه به تعویق می‌آید، انهم سوخ کودتایی مطرح کردن شوروی برای سسی کردن امریکا است. پس از چهارماه آنگاه که قطب‌زاده با تأیید شریعتداری، "جمهوری اسلامی" واقعی را از سوخ ضیاالحق در ایران برقرار کرد، ابتدا با ادب امریکا و سپس با خود امریکا "همکاری‌ها" علیه "دشمن مشترک" آغاز خواهد شد.

دقت چندانی لازم نیست تا نتوان به روشنی مشاهده کرد بینه کودتایی که قطب‌زاده مأمور اجرای آن بود، فترده فترده همان سیاست داخلی و خارجی است که قطب‌زاده به هنگام حضورش در شورای انقلاب و به ویژه به هنگام صحنی پست وزارت خارجه برای مسخ انقلاب، برای رسیدن جمهوری اسلامی ایران به سوی ساریس با امریکا و مالا همکاری با امریکا علیه "دشمن مشترک" گفت می‌کرد.

با نهایت تأسف باید گفت این "سیاسی" بینه کودتایی که قطب‌زاده مأمور اجرای آن بود، برای مردم چنانکه باید گاملاً تشریح شد، پس از دستگیری قطب‌زاده، آقای محمدی‌نیری شهری، رئیس دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران، در تلویزیون و از روی تابلویی که رسم کرده بودند، برای مردم باختصار نوصیه دادند که چند گروه کودتاگر و ضدانقلابی دستگیرنده همه یا بکندیکر و سر تا گروه قطب‌زاده در ارساط بوده‌اند و همه آنها با "سای" مربوط بوده‌اند و از "سای" دستورالعمل می‌گرفتند. سپس اشاره‌ای هم به این موضوع شد که کودتاگران گروه قطب‌زاده - شریعتداری می‌خواستند به "حسوحواهی" امام، انقلابیون را قتل‌عام کنند ولی سر از اس اشاره‌ها مردم

توضیح کافی از نقشه کودتاگران و شیوه عملی که به حیواسه‌اند به اجرا گذارند ، دریافت نکردند . دادگاه قطب‌زاده نیز به غیر از محصر اطلاعات مفروضه‌ای که در روزنامه‌ها به‌خشمه‌وار منتشر شد ، در پشت پرده حرمان یافت به عبارت دیگر ، با نهایت ناخف ساد گفت که از دستگیری و محاکمه قطب‌زاده و گروه او برای آشناتر کردن توده‌های مردم به شیوه عمل و سیاست دشمنان انقلاب ایران برای بسیج توده‌های مردم علیه این سیاست و این شیوه عمل بطورکافی استفاده نشد . اساک در افشاء تام و تمام نقشه و سیاست گروه براندازی قطب‌زاده - شریعتداری وضعی را موجود آورد که حتی در مجلس از امکان‌پذیری قطب‌زاده از اعدام ایران نگرانی شد ، خوشحمانه در دو هفته اخیر ، با لحسی که روزنامه‌ها اخبار محصر محاکمه قطب‌زاده را آشناتر می‌دادند این نگرانی مبروکش کرد تا سرانجام پس از حدود ۲۰ روز نور ، حکم اعدام و حر اجرای آن در روزنامه انتشار یافت و به این نگرانی پایان داد .

ولی مسئله لزوم افشاء تام و تمام نقشه ، سیاست شیوه‌عمل و ارناسطانی که قطب‌زاده و گروه او با دشمنان خارجی و داخلی داشته‌اند ، همچنان به جای خود باقی است . این افشاکری برای آشنایی مردم به ساد و شیوه کار دشمنان انقلاب ایران ، شیوه کار و سیاست امریکا برای بسیج توده‌های ملیونی مردم جهت مقابله و عقب کردن سیاست‌های نظیره و شکست نوظفته‌های مطر ضرورت دارد .

ما امیدواریم که پیروان اصل خط امام در حاکمیت ، به اس ضرورت توجه کنند تا به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی درواقع نیز " قطب‌زاده عبرت شود و خط و حرکتی که قطب‌زاده‌ها چه در قالب سیاست و چه به صورت کودتا ، مأمور اجرای آن بوده‌اند قابلیت حیات خود را نکلی از دست بدهد .

## خط امام در مسأله ارضی از خود تحرک تازه ای نشان می دهد .

حکم آیت الله منتظری به آقای فاضل‌هرندی درباره تقسیم "اراضی مصادره شده و اراضی موات قابل کشت" - که بدستور امام صادر شد - هاسکونه که انتظار می‌رفت در امر حیاتی اصلاحات ارضی تحرک تازه ای پدید آورده است . بدنبال صدور این حکم که یک سلسله به بزرگ‌الکای بود . هیئت دولت نیز هیات‌های هفت نفری واگذاری زمین را در زمره نهادهای انقلابی شناخت . این شناسایی دولت آقای موسوی هیات‌های مزبور را که موثرترین و مردمی‌ترین نهاد جوینده از بطن انقلاب است بطور رسمی از پشتوانه قدرت انقلاب برخوردار می‌کند و در برابر فشار "حزبان مخالف راستگرا" که می‌گویند این هیات‌ها را تصویف کند و تحلیل برد موجب افزایش نفوذ و اعتبار این هیئت‌هاست . استقلال این هیئت‌ها ، امکانات تازه‌ای را برای اجرای فرمان آیت‌الله منتظری و بطور کلی برای اجرای اصلاحات ارضی فراهم آورده است .

در هفته گذشته اطلاعیه‌ای نیز از سوی شورای کاشت استان تهران انتشار یافت که در آن از دارندگان اراضی مزروعی حواسته شده بود تا تاریخ ۶۱/۷/۷۵ نسبت به کشت زمینهای خود اقدام و نتیجه را به ناسدگان هیات در روستا یا شورای اسلامی محل گزارش نمایند . در این اطلاعیه به دارندگان زمینهای مزروعی اخطار شده بود که در غیر انصوب شورای کشت اراضی ملاکشت را بعدت یکسال به کشاورزان واگذار خواهد نمود .

اعلام آخرین مصوبات کمیسیون ویژه مجلس توسط حزب‌الاسلام فاضل‌هرندی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس و مامور اجرای حکم آیت‌الله منتظری نیز جلوه دیگری از این تحرک و حاکمی از آن بود که تلاش نمایندگان پیرو خط مردمی امام خمینی برای سرور آوردن طرح "احیا" و واگذاری اراضی مزروعی "ار حاق" به موفقیت‌هایی دست یافته است .

در تحلیل این مسأله ، رفقا باید آنرا از دو وجه مورد بررسی قرار دهند . در بررسی کلی مسأله باید مقام و اهمیت این رویداد را در گذار "سازره سرنوشت" مورد توجه قرار داد . این بررسی نشان می‌دهد که مقابله نیروهای خط امام در حاکمیت با تعرضات "حزبان مخالف راستگرا" ، وارد مراحل جدی‌تری می‌شود . پیروان اصل خط امام ، درباره زبان‌های تنگن به مقاصد و شگردهای "حزبان مخالف راستگرا" که مانع انجام اصلاحات بنیادین و انقلابی بود محرومان است و از جانب همه نیروهای مداخلاتی و در رأس همه امپریالیسم امریکا در این سر پختنایی و تقویت می‌شود . شناخت‌های تازه‌تری بدست می‌آورند . به پشتوانه چنین شناختی است که اسدواریم پیروان اصل خط امام ، به مبارزه فعالتری برای خنثی کردن کارکنی‌ها و ممانعت‌های جریان مخالف روی آورند و شیوه‌های موثرتری را برای تحقق آمایح‌های مردمی جستجو کنند . خط امام بتدریج درمی‌یابد که تردید و تعلل در انجام اصلاحات بنیادین و به تعویق انداختن آن ، نعلکی به هر آنچه که "حزبان مخالف راستگرا" می‌خواهد . پشتوانه نوده‌های انقلاب را تصویف می‌کند و این امر شرایط را بسود نوظه‌های حسیه متحد ضدانقلاب سرگردگی امریکا تغییر می‌دهد .

در ارزیابی مسأله در وجه مشخص آن باید گفت که حکم آیت‌الله منتظری و مصوبات کمیسیون ویژه مجلس که توسط آقای هرندی اعلام شده است بهیرفت‌های محسوسی در زمینه اصلاحات ارضی نشان می‌دهد .

در مسأله حمت‌الاسلام فاضل‌هرندی ، پس از سکوتی نسبتاً طولانی درباره قانون اصلاحات ارضی مطالب تازه ای عنوان شده است که حاکی از تصمیمات مینتی در طرحی است که کلیات آنرا مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه ۶۰ به

تصویب رسانده بود. اظهارات آقای هرندي مزید این نکته است که نیروهای خط  
امامی در کمیسیون ویژه جامع آن شده‌اند که "جریان مخالف راستگرا" همه  
حرفهای خود را به کرسی بنشانند. ما به گفته آقای هرندي در کمیسیون ویژه  
مجلس شماره ۱، ماده ۴ طرح که می‌گفت: "واگذاری زمین به حکم حاکم در  
مواردی است که امکان مزارعه و اجاره وجود نداشته باشد". باین صورت تفسیر  
یافته است که کلمه امکان حذف شده و مشروط شده است به اینکه "هم زارع و هم  
مالک به طیب نفس به اجاره یا مزارعه راضی باشند".

این البته نیست به طرح قبلی تفسیر مثبتی است اما آنچه‌ی نیست که  
میلیونها دهقان زحمتکش و هزاران جهادگر خط امامی و همه نیروهای مدافع  
انقلاب خواهان آن بودند. ستاد مرکزی و هیئت‌های واگذاری زمین سراسر کشور  
نیز در پایان سپتامبر به روزه خود. شماره ۱ ماده ۴ طرح را در شمار توافقی  
داشته بود که به "محتوای اسلامی و انقلابی قانون لطمه جبران ناپذیر وارد  
می‌آورد. همین اظهارنظر این سمپار که می‌توان گفت آگاه‌ترین مرجع خط امامی  
برای اظهارنظر در زمینه مسائل اصلاحات ارضی است چنین است:

"در صورت توافق مالک و زارع بر عقد قرارداد اجاره و یا مزارعه کنترل  
نوع گشت‌ها، و زمین در اختیار مالک بوده و در این صورت سیرکلی ارائه خدمات  
از طرف دولت طرف مالکین است و بدون وجود کنترل دولت به نفع و میزان  
محصولات کشاورزی امکان گام نهادن در راه استقلال اقتصادی امری بعید  
بنظر می‌رسد. ... با استقا روابط گذشته (اجاره یا مزارعه) در حقیقت روابط  
گذشته بین مالک و زارع با اندک تعدیلی بقدرت خود باقی است".

اسهام دیگر شماره ماده ۲ طرح، درباره زمینهای مگانیزه بود که با بمانی قابل  
تفسیر امکان اینرا بوجود می‌آورد که زمینهای مگانیزه بخش خصوصی از شمول  
اصلاحات ارضی خارج گردد. اظهارات آقای هرندي تعریف دقیق‌تری از زمینهای  
مگانیزه بدست می‌دهد که تا حدودی امکان سوء استفاده از قانون را در این باره  
محدود می‌سازد و معطاز این حسه مثبت است. ما اینجا به این اصل که باید  
کشت و صنعت‌ها و مالکیت‌های بزرگ مگانیزه در اختیار دولت یا تعاونی‌های  
تولید کشاورزی قرارگیرد و اداره شوند هور مطبق نیست. زیرا می‌گوید:

"اگر کسی بک زمین تمام مگانیزه داشت، از راه مشروع هم بدست آورده بود،  
این هم صاحب زمین خواهد بود، منتها با نظارت وزارت کشاورزی". در این  
زمینه سخنان امام خود گویاترین استفاده است امام خمینی می‌گوید:  
"من احتمال این را که اینجا حقوق شرعی خود را پرداخته باشند، حتی در  
مورد یک نفرشان هم نمی‌دهم، در مواردی اگر تمام اموالشان هم گرفته شود باز  
بابت حقوق شرعی بدگذارند" (اطلاعات ۸ سپتامبر ۱۳۶۰)

مسئله پرداخت عرامت و پاداش پول به مالک همچنان حل نشده باقی مانده  
است. با این تفسیر که "پول زمی در حساب ویژه‌ای به رسم امامت سپرده  
می‌شود" تا مقامات قضایی در دادگاه صالح رسیدگی کنند. در این زمینه سیر  
سخن امام گویاست که گفتند: "اربابان غالب" دلبلی برملکیت جز سندن قلمی  
و تصرف عدوانی نداشته‌اند. و با آنقدر ظلم از طرف آنها شده و اموالی از  
کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز می‌تواند زمین‌ها را بابت طلب خود از ارباب  
تکلیک نماید.

در اظهارات آقای هرندي این اسهام که گویا زمینهای که به دهقانان واگذار  
می‌شود فقط برای ۵ سال در مالکیت آنهاست برطرف شده است. آقای هرندي  
می‌گوید: "این ۵ سال که ما گفته‌ایم به منظور واگذاری نیست بلکه برای اجرای  
قانون است" در این زمینه گفته‌اند: "واگذاری قطعی و دائمی خواهد بود".  
در زمینه اولویت‌ها سیر. معیار داده شده در طرح. مثبت است. در اصل  
طرح ترتیب زمینهای بوات و مصارف‌های و سایر و دایر قرار داشت. کمیسیون  
ویژه تفسیری بسود دهقانان می‌رساند و کم‌رسان در آن بوجود آورده است که  
دارای اهمیت است باین ترتیب که "اول زمینهای مصارف‌های واگذار شود، بعد  
زمینهای سایر و بعد زمینهای بوات". و حایبی به سراع زمینهای دایر می‌رویم  
که از این امکانات دستمان کوتاه باشد.

همینطور است توضیح آقای هرندي درباره ساله واگذاری زمین به فرزندان  
مالک. سراسر توضیح آقای هرندي اگر فرزند مالکی پیدا شود که دارای شرایط  
ربر باشد، زمین به او واگذار می‌شود. این شرایط عبارت است از "ساکن روستا  
باشد، شغلش کشاورزی باشد، خودش بخواهد کشاورزی کند، به اینکه کشاورز  
نگیرد، منع درآمد دیگری هم نداشته‌باشد" و خودشان اضافه می‌کند "قبلاً"  
اگر چنین مالکی بود که مسلماً "از حرد مالکین هستند".

در مورد این ساله که "آیا اراضی محابا" به زارعین واگذار شود و دولت  
پول را بپردازد یا اراضی به زارعین فروخته شود" آقای هرندي اظهار می‌دارد  
که هور کمیسیون ویژه تصمیمی در این باره نگرفته است. خط شخص آقای هرندي  
بسیار درست است که معتقدند زمین باید رانگان به دهقانان واگذار شود.  
"چون اگر زمین را محابا" به زارع واگذار کنیم، هزشرطی برای زارع تعیین  
کنیم، قابل تعیین است. از جمله اینکه زمین متاع باشد، قابل تفکیک باشد،  
جز با اجازه دولت قابل واگذاری نباشد، گشت منطقه‌ای نباشد و ... اما اگر زمین  
را بفروشیم بعداً" یا بپردازد روبرو می‌شویم. چون راری خودش را مالک و در هر  
تصرفی مختار می‌داند.

علیرغم حبس‌گیری مردمی حبس‌السلام فاضل هرندي که ایشان را در حبه  
دفاع از سامع دهقانان می‌رساند و کم‌رسان فرار می‌دهد. مساعه حاضر  
بدرستی درباره‌ی این نظرات ایشان وجود دارد. که بهترین آن درکی است که  
از "اصلاح کشاورزی" دارند. آقای هرندي در آنجا که از مالکیت دارندگان  
زمینهای مزرومی سخن می‌گویند. گفته‌اند: "اگر زمین ... از راه مشروع بود در  
اختیار مالکش باقی می‌ماند. ما که پنا نداریم ثروت افراد را بگیریم، ما  
می‌خواهیم کشاورزی را اصلاح بکنیم. با در حای دیگر: "زمین دایر که دایر  
هست و الآن زیر گشت می‌رود. دردی دوا نمی‌شود که ما زمین دایری که متعلق  
به یک نفر است، بین ۵ نفر تقسیم بکنیم ...  
باید توجه داشت که "اصلاح کشاورزی" بدون ریشه‌کنی ساحس بزرگ مالکی،

غیرمعمولی است. این نکته را دولتمردان بهر لحاظ امام نیز بارها خاطرنشان ساخته‌اند. آقای سلامی وزیر کشاورزی در تاریخ هفده ششم بهمن ماه ۱۳۶۰، اعلام کرد:

"تا ساله زمین و مالکیت حل نشود، برنامه‌ریزی روی کشاورزی با مشکلات مواجه می‌شود" (اطلاعات ۶ بهمن ۱۳۶۰)

نخست‌وزیر موسوی نیز می‌گوید: "برای هر برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی در زمینه کشاورزی ما احتیاج به روشن شدن تکلیف ساله زمین داریم" (کیهان ۱۵ بهمن ۱۳۶۰). عملی ساختن این سخنان محضی است که ریشه بزرگ مالکی باید بر پایه ۳ برابر عرف محل که در طرح نیز آمده است، از اساس خشک‌ساده شود و زمین بزرگ مالکان بطور رایگان در اختیار دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین قرار گیرد.

شناخت‌های تازه‌ای که به‌روان اصل خط امام از مقاصد و نگردهای "حربان محالف راستگرا" و توطئه‌های ضد انقلاب داخلی سرکردگی امریکا، که بزرگ مالکان از ارکان آنند، بدست آورده‌اند، این اسد را تقویت می‌کند که خط امام به خواست برخی ملیونین دهقان کم‌زمین و بی‌زمین که خواستار تصویب و اجرای یک قانون اصلاحات ارضی بدون اسباب و جامع هستند، با سرعت بیشتری پاسخ مثبت دهد. بزرگ مالکی را سراندازد و توطئه ضدانقلاب سرکردگی امریکا را که می‌کوشد با مایوس ساختن توده‌های دهقانان ملیوسی زحمتکشان بویژه دهقانان و با حربه ناراضی‌تراشی، پایه‌های اجتماعی انقلاب را سست کند. ناشرابط را برای شکست انقلاب مهیا سازد بی‌اثر کند. وطبعه رهبا است که در راه تحکیم اتحاد عمل همه کاسی که از سامع محرومان روسا دفاع می‌کنند و برای نابودی بزرگ مالکی می‌رزمند بکوشند. صفوف دهقانان را فشرده‌تر سازند و به مبارزه متشکل آنان در راه نابودی بزرگ مالکی و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن قوام و دوام بخشند.

## تامین اجتماعی خواست مجروحان است .

هفته آینده هفته تامین اجتماعی است . اعلام هفته اول مهرماه به عنوان "هفته تامین اجتماعی" اقدامی مثبت است که چنانچه از سوی مسئولان بهنگری شود و رسانه‌های گروهی چنانچه باید اهمیت "تامین اجتماعی" را در جامعه مطرح کنند می‌تواند به نتایج مثبت‌تری هم منجر گردد .

رغم توجه دارند که "تامین اجتماعی" یکی از بهترین خواست‌های مردم رحمتگش است که در قانون اساسی و هم چنین طرح برنامه سازمان مورد توجه و تاکید قرار گرفته است . قانون اساسی در اصول ۴۳ ، ۲۱ ، ۱۵ ، ۴ به اسما ، مختلف مساله تامین اجتماعی را مورد توجه قرار داده و اصل ۲۹ این قانون را سر نما " به مساله تامین اجتماعی اختصاص داده است . اصل ۲۹ می‌گوید :

"برخوررداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیگاری ، پیری ، ازکار افتادگی ، سی‌سرپرستی از راه ماندگی ، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی بصورت بیمه ، حق است همگانی . دولت مکلف است طبق قوانینی از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم ، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای بنگاه افراد کشور تامین نماید ."

طرح برنامه سازمان سرو با اشاره به همین اصل قانون اساسی بطور منضم می‌گوید :

"کارگران و رحمتگان شهر و روستا و همه مردم حق دارند از تامین اجتماعی برخوردار باشند . دولت موظف است از طریق گسترش بیمه همگانی ، با رعایت حق اولویت برای کارگران و دهقانان زحمتکش و هم افراد تحت تکفل ایشان ، شرایط برخوردار می‌همگان را از حق تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیگاری ، سالخوردگی ، ازکارافتادگی سی‌سرپرستی درراه ماندگی ، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی فراهم سازد ."

با این همه در مرحله سرد طبقات در برخوردار با مساله تامین اجتماعی بطراب بیعناوسی ابزار می‌شود . ما باید با کمال دقت طبقات صحیح از باصحیح را شخص دهم و نوسه در هفته تامین اجتماعی و از طریق طرح طبقات صحیح و مسائل ضرور کشورم حسب سروهای مدافع انقلاب را با هرحد ممکن تعویب کم

نظری مطرح می‌شود سی بر اینکه گویا "سینه" و "بوره" بیمه اجباری امیری "شرعی" نیست و به می‌توان کارفرمایان و دولت را "مکلف" ساخت که کارکنان خود را بیمه کند و به می‌توان کارگر و دهقان را بخوبی کرد که بیمه شود . این طرح مخالف اصل ۲۹ است . مدافعان این طرح از جمله می‌گویند :

"با خود دولت ، با سازمان تامین اجتماعی عملکردش حوری مانند که مردم را به کمک کردن شوق کردن به عنوان نفعات و انقافات مسمد و صدقات جلب

آقای آذری قمی که این مطلب را در نشریه شماره ۱۰۸ سازمان تامین اجتماعی

بهاں کرده در حقیقت می‌گوید کارگران و دهقانان و دیگر رحمتگشان "تأمین اجتماعی" هستند که باید مردم را تشویق کرد که به آنها "مدت" بدهد. آقای آدری قبی و همکاران ایشان، که مواضع مبهمی را در حد "تأمین اجتماعی" در افعال خود دارند. در واقع می‌گویند: نیازی به وضع "قانون" و "مکلف" ساختن دولت و "تأمین" حق همه همگانی نیست. فقط کافی است دولت سرمایه‌داران را تشویق کند که برای "تأمین اجتماعی" صدقه بدهد و اجازت کند. و به نظر ما این بذات چیزی نیست جز طرفداری از حواص و نظر منشر کننده و پرتعمیر سرمایه‌داران و نوهی آشکاره به حیل دهنی سلبوی محرومانی که اصنام جسمی بارها و بارها ناگد می‌کند که "آنها ولپهست ما هستند". محرومانی که یک باروی آنها بر کاخ پشیمان شرف دارد.

طرفداران راه سرمایه‌داری در رصنه "تأمین اجتماعی" و ساله سه می‌گویند "آسانی بر احسار است... ما باید شایم به جسمه ایکه ضرورت اجتماعی است" (مکالم شیرازی - نشریه سازمان تأمین اجتماعی شماره ۱۱۴) این نظر همه لبرال‌هاست. آنها می‌گویند هیچ‌کس را اساد محصور کرد که سه کند و با همه خود. مثل ایکه کارگر و دهقانی که یک عمر زحمر و محرومیت کشیده‌اند هم ممکن است مخالف همه شدن باشند؟!!

در آستانه هفته تأمین اجتماعی خط کارگرسنیز حاکم بر وزارت کار با صدور سخننامه‌ای اعلام کرده است "در امر استفاده از سه، رضایت کارگر و کارفرما ضرورت دارد" خط حاکم بر وزارت کار با صدور این سخننامه که آشکارا زهر صدکارگری دارد پشیمانی پیکیره خود را بر منافع سرمایه‌داران اعلام کرده است. زیرا واقعب است که همه‌های اجتماعی حواص طبقه کارگر و همه محرومان جامعه است. کما طبقه کارگر با همه شدن مخالف بوده است که اعلام آقای توکلی در عقد قرارداد سه، رضایت کارگر را هم شرط قرار می‌دهد؟ و کما سرمایه‌داران با همه کردن کارگران و پرداخت وجوهات مربوطه راضی بوده‌اند که حالا به این کار رضایت دهند؟ اگر کار به رضایت سرمایه‌دار باشد. سرمایه‌دار به رضایت خود بکشای هم حاضر نیست پول بدهد. چون این کارگر است که همه می‌خواهد. سرمایه‌دار که سه نمی‌خواهد. خط آقای توکلی در وزارت کار در آستانه هفته تأمین اجتماعی با این سخننامه مخالفت آشکار خود را با اصل ۲۹ قانون اساسی که می‌گوید "تأمین اجتماعی بصورت همه حقیقی است همگانی" ابراز می‌دارد. آقای توکلی در واقع می‌گوید این درست است که همه‌های اجتماعی حقیقی است همگانی ولی مشروط بر ایکه سرمایه‌دارها، به دادن این حق همگانی رضایت دهند!! آقای توکلی هم در این سخننامه می‌گوید "آسان امتیاز است" سیاست او در وزارت کار یک سیاست لبرالی ناب در لباس "شرع" است که با طبقه کارگر، با اصول مردمی قانون اساسی و در این مورد شخصاً با اصل ۲۹ آن آشکارا سرسیر دارد.

تأمین اجتماعی و گسترش سیستم همه‌های اجاری یکی از حواص‌های اساسی مردم رحمتگش است که در قانون اساسی انعکاس یافته و طابندگان اصل خط امام و همه نیروهای انقلابی، مدافع آن هستند. حسب‌الاسلام رضحایی در مقاله با خطی که اساس را اختیار فرار می‌دهد می‌گوید:

"کارگر که حیانتش را می‌دهد او ۳۰ سال عمر فعالی مثلا" دارد. و ۴۰ سال عمر فعالش باید ۷۰ سال زندگی‌اش را تأمین کند. زندگی بجهایش را. باید طوری مفسورات تعیین شود که مزد عادلانه‌ای بگیرد که بتواند زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد. با رکوۃ و حسن و صدقات زندگی نکند. با گمبته امداد زندگی نکند."

گاهی به چهره تنبها و روستاهای ما این حقیقت دردناک را فاش می‌سازد که در همه جا مساله "تأمین اجتماعی" مساله محرومیت جامعه است. مسوورها و مسناردرها و کارفرماها و کاخ‌پشیمانها نه تنها هیچ نیازی به سخنیدن و برخورداری از "تأمین اجتماعی" ندارند، بلکه متحصماً "بیمه بودن" استفاده از حق بیمه حتی استفاده از حقوق بازنشستگی را برای خود "قار" می‌دانند. آنها کوچکترین دغدغه‌ای برای دوران پیری خود ندارند. آنها کوچکترین نگرانی از مسوورین ندارند. بهترین امکانات پزشکی در اختیار آنهاست. و این تازه در حالست که سرمایه‌داری، کارگران را محصور می‌کند که دهنها مار پشیمان از سرمایه‌داران مرصم شوند. آمده تمام روستائیان ما تقریباً هیچ تأمینی ندارد. اگر بیماری، داس آنها را بگیرد فقط باید صطبر سرنوشت بماند. سایرین اگر چه حق بیمه و تأمین اجتماعی حقیقی است همگانی، اما اولاً "نارمائی" که نظام سرمایه‌داری برحاست، سرمایه‌داران از طریق ثروتی که از چپاول کارگران بدست می‌آورند و بلمندن بخش اعظم امکانات درمانی بهداشتی و سپهرستی جامعه مساله تأمین اجتماعی را "طوقر خصوصی" برای خود حل می‌کند. سایرین مساله اجرائی اصل ۲۹ قانون اساسی مساله آنها نیست، تا آنجا که اجرائی این اصل را یک طرف شخص گرض حق بیمه بازنشستگی و صیره او کارفرمایان است و از طرف دیگر منحص بورج عادلانه‌ایکانات موجود در رصنه تأمین اجتماعی است. آنها با اجرائی این اصل مخالفت و به لطافت‌الحیل می‌گویند جلوی آرا بگیرند. بدین ترتیب دیده می‌شود این که مساله تأمین اجتماعی در اصل ۲۹، به صورت "حقیقی همگانی" توصیف شده است. با این همه اجرائی کامل آن به حواصی همگانی، که حواصی صعلی به رحمتگشان است. در سارره برای اجرائی کامل اصل ۲۹ و با به معانی افکندة شدن آن، در جهت برامون نظامی با عدم نظامی این اصل را "مواصی برمی" هم، حسیه کسانی که منافع بوده‌های محروم را معدوم می‌دارد. در برابر حسیه کسانی قرار گرفته است که سگ سرمایه‌داران و ملاکس را به سه می‌رسند.

"تأمین اجتماعی" در جامعه سرمایه‌داری حواص و سار محرومان است به سرمایه‌داران که این سار را با پولی که از رحمتگشان چپاول می‌کند برای خود تأمین می‌کند. سایرین اگر نظارت و کنترل رحمتگشان در کار باشد، همه‌فایل دیگری این حق را برای رحمتگشان تأمین نخواهد کرد. "تأمین اجتماعی" فقط رمائی نمک دکان بردی، ارساء، احتلاص و حجاب‌حجاب دهنه‌سازد. کاران سه و صدوی تأمین اجتماعی بدل می‌شود که سدنگها، سواها و دیگر سکن‌های کاری سرحریان اجرائی قانون تأمین اجتماعی نظارت و کنترل داسه

باشد. وگرنه اولاً بسیاری از کاربرمان از سهم کردن کارگران از طریق سهام  
یا کلاهبرداری فرار می‌کند. ثانیاً وجوهات صندوقی و سفته بزرگی می‌شود در  
دست جهاولنگران که سن از بیست و پنج تا سی و پنج ساله است. سفته کارگر و  
دیگر رخصتکار فقط به کمک سازمان جوشناس و سسکل خود می‌تواند  
احتمالی را بدست می‌آورد و باز هم فقط با یکای همس شکل است که  
می‌تواند مانع از آن شود که سهم به دکان جدیدی برای دویدن بسران  
بدل شود.

بدین ترتیب رفقا باید توجه داشته باشند که خط تشکل سر حاکم ضرورت  
کار خطی است که عملاً کارگران را از سازمان در راه ندست آوردن نامن اجتماعی  
محروم می‌کند و با مساله سهم را به وسنه شدید عارت رخصتکار تبدیل  
می‌کند. بدین ترتیب رفقا توجه دارند که چگونه سیاست ضدسنگانی و ضد  
شورایی یعنی سیاستی ضدسهم و ضدنامن اجتماعی یعنی سیاستی ضدکارگری،  
یعنی سیاستی که خواست توده‌های محروم را به پیش پای سرمایه‌داران غارتگر  
قریبانی می‌کند، بنابراین وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در هفته نامن  
اجتماعی و پس از آن در همه جا ارتباط اجرای کامل اصل ۲۶ و اصل ۱۰۴  
قانون اساسی را با اصل ۲۹ این قانون با مثال‌ها و نمونه‌های مشخص توضیح  
دهند.

در همین ماه هنوز میلیونها زحمتکش وجود دارد که کارگر (مزد و حقوق بگیر)  
نیستند هر چند در وضعیت بسیار زجرآوری زندگی می‌کنند. بخش اعظم این  
زحمتکاران که کسی کمتر از نصف جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند دهقانانی  
هستند که با روی زمین دیگران "رعیتی" می‌کنند و با کار کردن روی زمین‌های  
خود نان بخور و نصیری بدست می‌آورند و با بکلی از سهمی ساقط شده آواره  
شهرها شده و می‌شوند. مطابق آمار رسمی در ایران فقط ۱/۸ میلیون نفر زیر  
پوشش بیمه‌اند که با خانواده‌ها شان جمعا بالغ بر ۸ میلیون نفر می‌شوند، که تازه  
سهم دهقانان در این میان صفر است. حدود ۲۰ میلیون جمعیت دهقانی کشور  
از حق نامن اجتماعی بکلی محرومند. مصالح انقلاب ایجاب می‌کند که در راه  
اجرای اصل ۲۹ هر چه سریعتر در جهت گسترش سهم همگانی برای روستائیان  
قوانین ضرور تدوین و تصویب شود. در این قانون باید پیش‌بینی شود که سهم  
نامن اجتماعی دهقانان زحمتکش بطور عمده از منافع درآمد عمومی نامن شود.  
می‌دانیم که بخش مهمی از "نامن اجتماعی" مربوط است به نامن خدمات  
بهداشتی و درمانی و مراقات‌های پزشکی. گسود و وحشتناک پزشکی و توزیع بسیار  
نامعادلانه این امکانات راه را برای تحقق این بخش از حقوق مربوط به نامن  
اجتماعی سد کرده است. سهم کردن زحمتکاران به تنهایی کافی نیست. باید  
امکانات پزشکی و درمانی را گسترش داد و در همین حال آنرا از انحصار قشری  
خاصه خارج ساخت. آیا این کار عملی است؟ به اعتقاد ما و باستناد بحارت  
سایر انقلابات، آری این کار عملی است. تنها مشروط بر اینکه مقاومت نمودان  
مناصر مخالف پیشرفت انقلاب در این میدان نیز درهم شکسته شود. وی‌دانیم  
که شکستن این مقاومت در اینجا یعنی: ۱- گارزدن خط مخالف بازگشتی و  
گسترش دانشگاهها ۲- دولتی کردن امر بهداشت و درمان و کوتاه کردن دست  
جهاولنگر سرمایه‌داران از معامله روی سلامت مردم ۳ اتحاد سیاسی انقلابی در  
نامن شرایط برای انتقال و نامن وسیع امکانات پزشکی درمانی بهداشتی و  
بهبودی به روستاها و مناطق محروم شهری.

با اعتراف نمایندگان مجلس، سه سال تعطیل دانشگاه‌های پزشکی به قیمت  
محروم کردن کشور از بیش از ۲۰۰۰ پزشک تمام شده است. رفقا! می‌دانید این  
رقم یعنی چه؟ یعنی اینکه انقلاب می‌توانست امکانات پزشکی روستا را به پیش از  
دو برابر در عرض سه سال افزایش دهد و نداده است. آیا این نکته قابل درک  
نیست که اگر انقلاب این تعداد پزشک را به روستا می‌برد و سهم را گسترش  
می‌داد تا چه میزان روستاها و تمام کشور را در برابر هرگونه ضدانقلابی سهم  
کرده بود؟ ما معتقد بوده و هستیم که گسترش سهم‌های درمانی امری امکان پذیر  
است. مشروط بر اینکه سه اصل فوق بپیکانه بکار بسته شوند. با این تحلیل‌ها و  
این دلایل است که ما به استقبال هفته نامن اجتماعی می‌رویم و در همه جا  
می‌گوئیم هر چه بیشتر اهمیت و ضرورت نامن اجتماعی و مساهلی را که در این  
زمینه مطرح است توضیح دهیم.

## نوطه‌های آمریکا و رژیم صهیونیست برای ادامه تجاوز در لبنان

نیروهای رژیم اشغالگر صهیونیست، در پی کشته شدن بشرخمیل سردسته حزب سهاپرورده، "کتاب" دستاویزی را که می‌خواستند سرهم‌گردند و مطابق نقشه از پیش طراحی شده مجدداً با همه قوا به غرب بیروت حمله‌ور شدند و در سراسر شهر، حکومت نظامی برقرار کردند. آخرین اخبار حاکی از آن است که آدمکشان صهیونیست با همدستی دارودسته "کتاب" و سعد حداد طی روزهای جمعه و شنبه اردوگاه فلسطینیان را در غرب بیروت محاصره کردند و صدها نفر یهود جوان و زن و کودک را کشتند.

تتبعاً دوباره نیروهای صهیونیست به غرب بیروت، که همچنان با پایداری نیروهای ملی و انقلابی لبنان روبروست، بدنبال تدارک قوا برای حمله و سلب به مواضع نیروهای سوری در دره "بقا" آغاز شد. رهبران رژیم صهیونیست، از حمله شارون پیش از این، قصد خود را برای گسترش تجاوز در سمت شمال و باحترام لبنان آشکار کرده بودند. رویدادهای گسسته نشان می‌دهد که رژیم صهیونیست با حمایت امپریالیسم آمریکا نقشه گسترش تجاوز و حمله و تقویت نیرو در مناطق اشغالی را عملی می‌سازد.

تتبعاً نیروهای صهیونیست به غرب بیروت پنج روز پس از "گردهمایی فاس" آغاز شد. تنها پنج روز پیش از این "گردهمایی ریگان" به اصطلاح طرحی برای "حل صلح آمر سه‌ساله فلسطین" ارائه داد! ریگان که با امرایش کجکبای نظامی آمریکا به رژیم صهیونیست و کمک به آن برای تدارک ادامه تجاوز، در میان خلفهای جهان رسواتر شده است، مجبور شد تا ارائه این طرح ... آمریکا را نیز "طرفدار راه حل سیاسی ... مغربی کند. آمریکا برای مخفی نگهداشتن شکست‌های خود و رژیم صهیونیست اسرائیل کوشش بسیار کرد تا به دوستان خود بقبولاند که "ساف" پس از "یک شکست سخت" از "توسیع صحنه" در گردهمایی شرکت می‌کند و پیش از هر زمان برای پذیرش "پیشنادهای" آنان آماده است. شاهان و سران سرسپرده، عرب بسیار مایل بودند که این ادعاهای آمریکا را باور کنند و همانطور که خود و اربابانان می‌خواستند "گردهمایی" را برگزار کنند. اما در فاس آنها مجبور شدند بپذیرند که "ساف"

رژیم صهیونیست خود بارها عنوان شهید پرده از ایس آر وی حوسنی برداشند. طرح ریگان حوسنی این مقاصد آمریکا و رژیم صهیونیست را بر ملا می‌کند. در این طرح آمده است: ما از انحصار یا کنترل دائم ساحل غربی رود اردن و نوار مره) توسط اسرائیل پشتیبانی می‌کنیم. او بیت المقدس را به یکپارچه نامی می‌داند. می‌بینیم که در اینجا از سایر سرزمین‌های اشغالی و از اشغال صحی در میان نسیب و آمریکا تنها به شرطی که فلسطینی‌ها خود مختاری زیر پرچم اسرائیل و اردن را می‌پذیرند حاضر است از انحصار یا کنترل دائم نوار مره و کرانه غربی رود اردن پشتیبانی نکند؟ به زبان ساده، آمریکا در جسد حوسنی هم از انحصار یا کنترل موبت این ساحل پشتیبانی می‌کند و معنی که مسیر و مسیر موبت هم به شهید خود آمریکا و رژیم صهیونیست از راه سراسر در طرح ریگان بیت المقدس ماند

یکپارچه در دست اسرائیل باقی ماند

در بند دوم برنامه، پشتیبانی اتحاد شوروی آمده است: "ثابتاً حق ملت عرب فلسطین برای تعیین مستقل سرنوشت و ایجاد یک کشور مستقل ملی در اراضی فلسطینی که از طرف حکومت اشغالگران اسرائیلی تخلیه خواهد شد، یعنی در کرانه غربی رود اردن و باریکه غزه باید در عمل تعیین شود...". حق تعیین مستقل سرنوشت و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی در نوار غزه و کرانه غربی رود اردن که شامل بخش غربی بیت المقدس باشد هدف عمده و اساسی نبرد رهائی بخش مردم فلسطین است. هر طرح و برنامه‌ای در مورد بحران خاور نزدیک قبل از همه، بر پایه اینکه به این خواست اساسی مردم فلسطین چگونه برخورد می‌کند ارزیابی می‌گردد. در طرح ریگان این خواست عمده، مردم فلسطین کاملاً نفی شده است. ریگان گفت: "ایالات متحده از تاسیس یک دولت مستقل فلسطینی در ساحل غربی... و نوار غزه حمایت نخواهد کرد...". در طرح ریگان تنها خودگرانی توسط فلسطینی‌های ساحل غربی و نوار غزه با همکاری اردن... و آنچه بشرط عدم ایجاد احتلال در ضروریات امنیتی اسرائیل پیشنهاد شده است، هسته مرکزی این پیشنهادهای دولت ریگان تلاش برای تعیین سرنوشت مردم فلسطین و ملل منطقه سود آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

لشونید برزخف ضمن ارفاق برنامه اتحاد شوروی برای حل بحران خاور نزدیک بار دیگر تأکید کرد که حل این بحران تنها با شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده خلق عرب فلسطین ممکن می‌شود. رهبر اتحاد شوروی همچنین پیشنهاد این کشور را در مورد تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای حل مسأله خاور نزدیک بعنوان روش مناسبی که شرکت همه طرفهای ذینفع را در حل این بحران تاسیس می‌کند مورد تأکید قرار داد. دفاع صادقانه از خواستهای مردم فلسطین و ملل خاور نزدیک در برنامه پشتیبانی اتحاد شوروی و نفی آشکار و خشن این خواستها در طرح ریگان، جلوه‌ای از مواضع یک دوست صادق و یک دشمن آشتی‌ناپذیر مردم فلسطین و ملل منطقه است.

(۲۰)

تکرار فاعله قتل عام فلسطینی‌ها در لبنان

مفرت و انزجار جهانیان از صهیونیسم

و امپریالیسم را باز هم تشدید می‌کند

بار دیگر کشتار وحشیانه و بی‌سابقه غیر نظامیان فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل و آدمکشان حزب فالاتزیست لبنان که به شوق امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، جهان را هرچه بیشتر نگران گسترش دامنه جنایات بربرستانه امپریالیسم، صهیونیسم و مردوران فاشیست آن در لبنان ساخته است.

سراسر گزارش خبرگزاری‌ها، در قتل‌عام‌های روزهای جمعه و شنبه گذشته صدها تن از زنان و مردان، پسران و کودکان و جوانان غیر نظامی فلسطینی در اردوگاه‌های پناهندگان در شنیلا و برج البراجیه... بطرف ددمشانه‌ای قتل‌عام شدند. بر پایه همین گزارشات در اردوگاه "شتسلا" هیچ فلسطینی رنده مانده است نا آنچه را که برآنان رفته است بوضع دهد.

امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل و مسلمان فالاتزیست لبنان آن، که در برابر پایداری قهرمانانه رزمندگان فلسطینی و لباسی بواسطه هدف‌های حیاتی‌گزارانه خود را عملی سازد، اکنون با هلاکت بشرح مهمل به سیاست ددمشانه نابودی مردم فلسطین ایجاد ناره‌ای بخشیده‌اند. لیکن همچنانکه جنایات چندماهه اخیر نشان داد، این جنایات تنها مفرت خلفهای عرب و سراسر جهان را علیه امپریالیسم، صهیونیسم و اربح‌مخند آن تشدید می‌کند. بدون تردید این جنایات با هر دستاویزی که صورت گیرد هیچ نمری هر نزدیک‌تر ماخیز شکست محوم امپریالیسم و صهیونیسم و جنایتکاران فاشیست نخواهد داشت.

اکنون خلفهای سراسر جهان نسبت به خلق رزمندگان فلسطین که برای حق زندگی مستقل در سرزمین خود با فداکاری‌های عظیم می‌رزمند عمیق‌تر از همیشه احساس همبستگی می‌کند و جنایات بربرستانه رژیم صهیونیست اسرائیل و فاشیست‌های لبنان را که به شوق امپریالیسم آمریکا روح داده است عمیقاً محکوم می‌سازد. دولت جمهوری اسلامی ایران همراه با مردم مآکه عمیق‌ترین

پیوندهای انفلاسی و درمجویانه را با خلق قهرمان فلسطین و نارمان  
آرادبخش فلسطین احساس می کند . به مثابه اظهار محتر و احترام  
سخت به جنایات آمریکا ، اسرائیل صهیونیست و فاشیست های  
لبنانی متحد آنان ، دوشنبه ( ۲۹ ) شهریور ماه را برای عمومی  
اعلام کرده است . نارمان ما ، با اقبال از این اقدام ، عمیق ترین  
همدردی های درمجویانه خود نسبت به خلق فلسطین اظهار داشته و  
جنایات ددمنشانه امپریالیسم آمریکا ، رژیم صهیونیست اسرائیل و  
مخدان فالانژیست آن را محکوم می نماید .

## پیام لئونید برژنف به پاسر عرفات

لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی برای پاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین فرستاد و در آن از جانب خود و همه مردم شوروی "تبرمانی و پایداری فلسطینی‌ها در برابر تجاوز اسرائیل به لبنان را ستود. در این پیام: "تصمیم نوع دوستانه رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین درباره خروج دستهای فلسطینی‌ها از بیروت برای جلوگیری از انهدام اهالی بی‌دفاع پایتخت لبنان و برای جلوگیری از ویران شدن کامل آن را"

نظامیان اسرائیلی عمداً گاز را بر آنجا می‌گذاشتند - به عنوان یک تصمیم درست ارج گذاشته شد . لئونید برژنف در این پیام اظهار داشت : " تجاوزگران و کسانی که از آنها حمایت می‌کنند موفق نشدند به هدف عمده خود نائل آیند و سازمان آزادیبخش فلسطین را نابود کنند " - جنایات تازه مداخله‌گران موجب خشم و مورد تقبیح تمام بشریت قرار گرفته است و موجب اتزوای بین‌المللی محافل حاکم بر اسرائیل شده است .

لئونید برژنف همچنین تصریح کرد : " شجاعت وحسن مسئولیتی که فلسطینی‌ها ابراز داشتند ... در همه‌جا مورد احترام فراوان قرار گرفته است و " موقعیت بین‌المللی سازمان آزادیبخش فلسطین به حد زیاد تقویت شده است "

پیام شورانگیز لئونید برژنف . همانندیهایی که در نخستین روزه‌های محاصره عرب بیروت برای پاس‌معرفات ارسال شد . یک پیام دوحسی و اتحاد است که عمیق‌ترین و صمیمانه‌ترین احساسات مردم شوروی را نسبت به مردم فلسطین بیان می‌کند . در این پیام‌ها در واقع مردم شوروی نشان‌های بزرگ افتخار را از جانب خود به مدافعین بیروت و به همه مردم فلسطین اهداء کرده‌اند . به هنگامی که امپریالیسم و صهیونیسم می‌کوشند سازمان آزادیبخش فلسطین را " شکست خورده و تحقیر شده " معرفی کنند ، ارج‌گذاری بر قهرمانی و ایثار بیاد ماندنی مردم فلسطین اهمیت ویژه می‌یابد . دوستان مردم فلسطین باید آن قهرمانی‌هایی را که امپریالیسم می‌کوشد پنهان سازد و به فراموشی سپارد ، آشکار سازند و بیاد سپارند .

### دیدار رهبر یمن دمکراتیک از اتحاد شوروی

هفته گذشته علی ناصر محمد رهبر یمن دمکراتیک در راس هیاتی به منظور گفتگو با رهبران اتحاد شوروی به مسکو سفر کرد . در دیدار علی ناصر محمد با لئونید برژنف ، رهبر اتحاد شوروی طی یک سخنرانی بسیار مهم - چهارشنبه ۲۲ شهریور جمع‌بندی جامعی از پیشنهادهای اتحاد شوروی برای حل بحران خاور نزدیک ارائه کرد . لئونید برژنف در رابطه با مناسبات میان اتحاد شوروی و یمن دمکراتیک گفت :

" به نظر من ما با احساس رضایتمندی می‌توانیم گوئیم مناسبات کشور ما و حزب کمونیست شوروی با حزب سوسیالیست یمن ، مناسبات دوستی ماندگانه ، همبستگی برادرانه و همکاری وسیع و موثر است و گفتگوهای گوناگونی بار دیگر نزدیکی آرزوی‌های ما را چه در مورد روابط دوجانبه و چه مسائل بنیادی سیاست خارجی پرورشی تأیید کرد .

لئونید برژنف در همین سخنرانی به‌رمان مسائل خاور نزدیک گفت : " اگر جدا بخواهند درباره تأمین پیشرفت‌ها ، در حل ساله خاور نزدیک صحبت کنند اکنون در وحله اول باید تجاوزگران را وادار ساخت از خاک لبنان خارج شوند ، از عملیات راهزانه دست بکشند و به مفیده‌جویی‌ها در مورد سوریه پایان دهند . پسند و نصیحت ما به اسرائیل این خواهد بود که سر عقل بیاید و از بازی بسا آتش دست بردارد . صبر و حوصله جهشیانی بی‌پایان نیست "

رهبر یمن دمکراتیک که مضمون اصلی گفتگوهای وی با رهبران اتحاد شوروی به بحران خاور نزدیک مربوط می‌شد ، متغیلاً مواضع مشترک دو کشور را در قبال مسائل عمده منطقه مورد تأکید قرار داده است .

### دیدار دوستانه رهبر لیبسی از کشورهای سوسیالیستی

هفته گذشته معمر قذافی رهبر لیبسی ، در راس یک هیات بلندپایه از چکسلواکی و لهستان دیدن کرد . در جریان این دیدارها که به منظور گسترش همکاری میان کشورهای سوسیالیستی و کشور دوست لیبسی انجام شده است ، به‌رمان مسائل عمده گوناگونی گفتگو شده و مواضع یکسان طرفین اعلام گردید . معمر قذافی در دیدار با گوستاو هوزاک رئیس‌جمهور چکسلواکی ضمن ابراز یک سخنرانی تلاش‌هایی را که علیه جامعه سوسیالیستی در رابطه با لهستان و افغانستان انجام می‌گیرد محکوم کرد و مواضع کشورهای سوسیالیستی را در مقابل ما توطئه‌هایی که علیه لهستان و افغانستان صورت می‌گیرد تأیید نمود . دیدار دوستانه قذافی از لهستان ، که خود نماینده دوستی و اتحاد لیبسی با لهستان سوسیالیستی و به‌ویژه در شرایط تشدید توطئه‌های امپریالیستی علیه مردم لهستان بوده است ، با صدور یک بیانیه مشترک پایان یافت . در این بیانیه دو کشور لیبسی و لهستان نظرات مشترک خود را درباره بسیاری از مسائل مهم بین‌المللی ، از جمله صلح و تنش‌زدایی ، تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لسان و تهدید امنیت کشورهای اروپایی از سوی امریکا اعلام داشتند معمر قذافی همچنین توطئه‌های امپریالیستی علیه لهستان سوسیالیستی را محکوم و دوستی کشور خود با لهستان را مورد تأکید قرار داد .

در جریان این دیدارها ، اشتراک مواضع لیبسی با کشورهای سوسیالیستی در قبال مسائل افغانستان به‌ویژه بارتاب وسیع پیدا کرده است . قذافی در دیدار با رهبران لهستان تأکید کرد :

" نهایت سعی خویش را برای تحکیم مناسبات دوستانه بین کشورهای سوسیالیست و مردم عرب بکار خواهد بست "

( کجها ۲۰ شهریور )